

پیوندهای جمعیتی روستایی - شهری و تأثیر آن بر خلق سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان‌های دماوند، فیروزکوه و شمیرانات)

نسرین کاظمی* - دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
محمد سلمانی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
سید علی بدری - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
شریف مطوف - استادیار سوانح و بازسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

وصول: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۰

چکیده

کنش‌های متقابل بین شهرها و روستاها جریان‌هایی را به وجود آورده‌اند که عنصر کلیدی آن مردم هستند. مردمی که در قالب گروه‌های اجتماعی با ارتباطات و تماس‌ها، جریان ایده‌ها را شکل داده و وابستگی اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر ساخته‌اند. هدف پژوهش حاضر بررسی پیوندهای جمعیتی بین دو سکونت‌گاه شهری - روستایی در قالب شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر خلق سرمایه اجتماعی است. برای دستیابی به این هدف، مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی استخراج، پرسش‌نامه طراحی و در شهرستان‌های دماوند، فیروزکوه و شمیرانات تکمیل شدند. با توجه به معیارهایی همچون رواج گردشگری خانه‌های دوّم روستاهایی که جریان‌های جمعیتی بیشتری داشتند انتخاب شدند. این روستاها ۲۲۴۸۷ نفر جمعیت دارند که ۳۷۷ پرسش‌نامه به صورت تصادفی در آن‌ها تکمیل شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل شبکه استفاده شد تا بتوان به جای پرداختن به ویژگی‌های سکونت‌گاه‌ها به صورت مجزا، ساختار روابط دوسویه و متقابل آن‌ها را بررسی کرد. نتایج نشان می‌دهند که تراکم پیوندهای برقرارشده برای شهرستان‌های دماوند، فیروزکوه و شمیرانات، حدود ۶۰٪ است که این میزان در حد کمابیش مطلوبی است؛ همچنین حدود ۵۰٪ از این پیوندها دوسویه بوده که با حدود ۶۰٪ انتقال‌پذیری، گویای پایداری شبکه است؛ اما در این میان مرکزیت با نقاط شهری بوده و تهران دارای محوریت در شبکه مورد مطالعه است. در مجموع، نتایج بیانگر وجود پیوندهای جمعیتی کمابیش پویا در مناطق مورد مطالعه است. پس از بررسی پیوندهای جمعیتی، شاخص‌های سرمایه اجتماعی ارزیابی شدند. با توجه به نتایج این بخش و سطح معنی‌داری برای هریک از شاخص‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که پیوندهای جمعیتی بین این دو سکونت‌گاه در سطح اطمینان ۹۵٪ منجر به سرمایه اجتماعی شده است که براساس میانگین‌ها، در سطحی بالاتر از متوسط، یعنی حدود ۳/۵ (براساس طیف لیکرت) قرار دارند و این بیانگر مطلوبیت این شاخص‌ها در مناطق مورد مطالعه است.

واژگان کلیدی: پیوندهای جمعیتی، سرمایه اجتماعی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، استان تهران (دماوند، فیروزکوه، شمیرانات).

مقدمه

روستاها و شهرها به منزله اجزای تشکیل دهنده یک سیستم، همواره مناسبات گوناگونی در ابعاد مختلف داشته و امروزه با توسعه اقتصادی و اجتماعی به ویژه شبکه‌های ارتباطی پیوندها و وابستگی آن‌ها گسترده‌تر شده است (انوین^۱، ۲۰۱۷؛ لیچتر و زیلیک^۲، ۲۰۱۷؛ هاشم‌زهی^۳ و همکاران، ۲۰۱۴؛ ضیاء‌توانا و شمس‌الدینی، ۱۳۸۹). کنش‌های متقابل بین این دو سکونت‌گاه جریان‌هایی را خلق کرده‌اند که عنصر کلیدی آن مردم هستند. مردمی که در قالب گروه‌های اجتماعی با ارتباطها و تماس‌ها جریان ایده‌ها را شکل داده، وابستگی اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر ساخته و سبب دگرگونی در این نواحی شده‌اند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۰؛ استرن^۴ و همکاران، ۲۰۱۱)؛ بدین ترتیب، جابه‌جایی مردم از روستا به شهر و بالعکس همه حکایت از روابط پویای اجتماعی بین این دو سکونت‌گاه دارند (صرامی، ۱۳۸۴). هرچند این پویایی جمعیت، به شیوه‌های مختلف از جمله رشد بی‌رویه شهرها و تخلیه روستاها، سبب بروز مشکلات جدی در سیستم‌های شهری و روستایی شده است (سرمست و زالی^۵، ۲۰۱۱)؛ اما تأثیرات آن همیشه منفی نبوده؛ زیرا نقش مهمی در شکل‌گیری پیوندهای روستایی - شهری و توسعه اقتصادی - اجتماعی در مناطق مبدأ و مقصد نیز ایفا می‌کند (اپلر^۶ و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۰)؛ برای مثال، وجوه ارسالی یکی از مهم‌ترین مواردی است که گاه از آن به‌مثابه فراهم‌کننده اثر رخنه به پایین یاد شده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷).

با توجه به جریان غالب مهاجرت از روستا به شهر و پیامدهای نامطلوب مهاجرتی که بدان اشاره شده، به‌طور عمده برنامه‌ریزان به این پدیده نگاه یک‌سویه داشته‌اند؛ برنامه‌ریزان شهری آن را باعث افزایش جمعیت شهرها دانسته و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی نامطلوب بسیاری برای آن ذکر کرده‌اند. این در حالی است که برنامه‌ریزان روستایی هم آن را باعث رشد منفی جمعیت روستایی و در موارد بسیاری نابودی روستا و معضلاتی همچون افول نیروی کار کشاورزی و افزایش سنی جمعیت روستایی دانسته‌اند. عدم تلاقی این دیدگاه‌ها با یکدیگر و پیامدهای نامطلوب بسیاری که مهاجرت در کشورهای در حال توسعه داشته است، سبب تمرکز بر پیامدهای منفی و غفلت از مهاجران و نقش آن‌ها در توسعه و عمران نقاط مبدأ و مقصد در ادبیات توسعه شده است. باوجود این، مهاجران با تشکیل نهادهای پایدار همچون انجمن‌های زادگاهی و با وجوه ارسالی در توسعه زادگاه خود نقش مهمی ایفا کرده‌اند. براساس رهیافت سرمایه اجتماعی، شبکه‌های مهاجرت مجموعه‌ای از روابط میان افراد است که مهاجران، مهاجران پیشین و غیر مهاجران را در مبدأ و مقصد به‌واسطه روابط خویشاوندی، دوستی و هم‌محلی بودن به هم وصل می‌کند. این شبکه‌های اجتماعی با دربرگرفتن تعهدات متقابل، مهاجران را به سوی خود جلب کرده که همواره با اضافه‌شدن مهاجران جدید بدان گسترش می‌یابد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳۰). نکته مهم در این رابطه آن است که باوجود مطرح‌شدن نظریاتی همچون شبکه‌های منطقه‌ای، مهاجرت همچنان به‌صورت پدیده‌ای مجزاً بررسی می‌شود؛ حال آنکه این پدیده را می‌توان به‌صورت پیوندهای دوسویه‌ای دانست که باوجود عدم امکان انکار پیامدهای منفی آن، در ایجاد حمایت‌ها و برقراری روابط اجتماعی تأثیر خواهند داشت؛ زیرا بسیاری از مهاجران ارتباط خود را با مبدأ قطع نمی‌کنند.

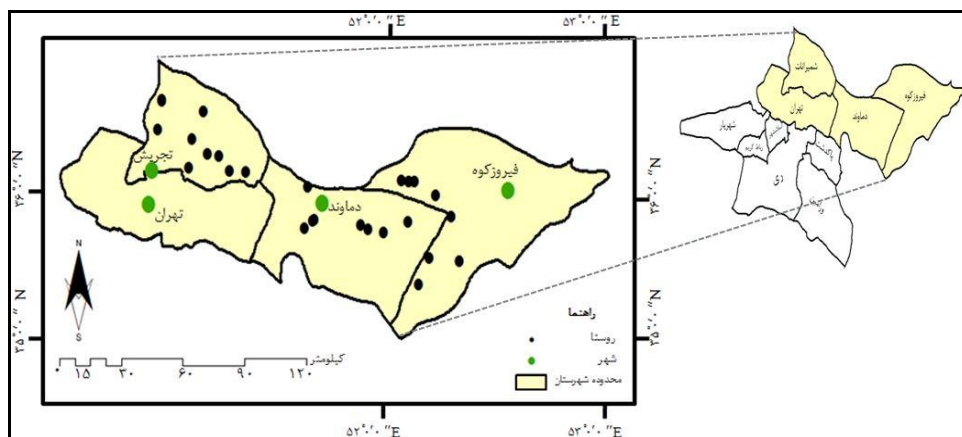
براساس آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که پیوندهای جمعیتی، کلیدی‌ترین نوع پیوند اجتماعی بین روستا و

1- Unwin
2- Lichter & Ziliak
3- Hashemzahi
4- Stern
5- Sarmast & Zail
6- Eppler

شهر است که در قالب آن افکار و ایده‌ها، نیروی کار، پول و سرمایه (فیزیکی، اجتماعی و غیره)، کالاها، عناصر فرهنگی بین این دو سکونت‌گاه مبادله می‌شود؛ به طوری که ولمن^۱ (۱۹۸۳) الگوهای پیوند در شبکه‌های اجتماعی را از سویی به‌مثابه نوعی فرصت و از سوی دیگر، نوعی محدودیت تلقی می‌کند؛ زیرا این الگوها، میزان دسترسی افراد به اطلاعات، ثروت و قدرت را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سبب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شوند که زاده شبکه‌ها و ارتباطات بین انسان‌ها است. بدین ترتیب، افراد نباید تنها به رابطه‌داشتن با دیگران اکتفا کنند؛ بلکه باید بدانند این شبکه‌ها چگونه عمل می‌کنند و چگونه می‌توان این روابط را در طول زمان حفظ کرد و از آن بهره‌گرفت (افشارکهن و ناجی مهر، ۱۳۹۳). استفاده از این مفهوم، با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به‌منزله راه‌حلی اجرایی برای مشکلات توسعه، مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا سرمایه اجتماعی به‌مثابه مجموعه‌هنگارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی، موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه می‌شود (الوانی و همکاران، ۱۳۹۱). با چنین ضرورتی و با توجه به جابه‌جایی‌های جمعیتی بین دو سکونت‌گاه روستایی و شهری - به‌صورت روزانه یا فصلی و به‌دلایل مختلف - پژوهش حاضر در پی آن است که دریابد آیا پیوندهای جمعیتی که بین سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی برقرار است، تأثیری بر خلق سرمایه اجتماعی داشته است؟

معرفی منطقه مورد بررسی

جامعه آماری پژوهش حاضر، شهرستان‌های فیروزکوه (۳۳۵۵۸ نفر)، دماوند (۱۲۵۴۸۰ نفر) و شمیرانات (۴۷۲۷۹ نفر) است که با توجه به جایگاه محوری تهران و جریان غالب حرکت جمعیتی به‌سوی آن، شهر تهران به‌مثابه مقصد جریان‌ها نیز در نظر گرفته شده است. نمونه مورد مطالعه پس از بررسی عرصه پژوهش با توجه به پیوندهای جمعیتی روستایی - شهری انتخاب شد و پرسش‌نامه‌هایی به‌صورت تصادفی تکمیل شدند. بدین منظور، ۲۶ روستا از ۷ دهستان به‌عنوان نمونه مورد مطالعه برگزیده شد (شکل ۱). در انتخاب این روستا، سعی شده است تا روستاهایی انتخاب شوند که پیوندهای شهری - روستایی در آن‌ها قابل بررسی باشد؛ برای مثال، یکی از مهم‌ترین معیارهای رواج گردشگری، خانه‌های دوّم بوده است؛ زیرا به‌واسطه آن‌ها مردم شهری در تعطیلات به‌سوی روستاها حرکت کرده و مدتی را در آنجا سپری می‌کنند؛ به‌ویژه در ایام تعطیل و تابستان‌ها. این انتخاب به این دلیل بوده است که بتوان تعاملات مردم شهری و روستایی را در قالب پیوندهای دوسویه بررسی کرد. در این میان، جریان مهاجرتی به‌سوی روستاهای شهرستان شمیرانات بیش از سایر شهرستان‌ها است؛ از این رو، تعداد بیشتری از روستاهای این شهرستان مورد مطالعه قرار گرفته است.



شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر پیوندهای جمعیتی برقرار شده بین دو سکونت‌گاه شهری و روستایی در خلق سرمایه اجتماعی است؛ به بیان دیگر، پژوهشگران به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که آیا جریان افراد که به‌طور عمده، به دلایل مختلف از روستاها به شهرها صورت می‌گیرد و البته در سال‌های اخیر نوع دیگری از این جریان‌ها که به دلیل گسترش خانه‌های دوم به بهانه گذاران اوقات فراغت از شهرها به روستاها برقرار شده است (در منطقه مورد مطالعه)، تأثیری بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی داشته است یا خیر؟ اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در دو بخش گردآوری شدند. در بخش اول، با مرور پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در رابطه با موضوع از جمله مقالات، کتاب‌ها، طرح‌های ملی و منطقه‌ای، وبسایت‌های اینترنتی، مبانی نظری و پیشینه پژوهش تدوین شد؛ سپس با کمک این بخش، شاخص‌های مرتبط استخراج و تعاریف عملیاتی آن‌ها مشخص شدند (جدول ۱). داده‌ها نیز به کمک پرسش‌نامه گردآوری شدند. پرسش‌نامه تدوین‌شده شامل بررسی میزان معیارهای تعاملی و ساختاری شبکه اجتماعی نمونه مورد مطالعه بود. در این بخش، داده‌های مرتبط با پیوندهای جمعیتی به مثابه عنصر کلیدی پیوندهای اجتماعی بین نقاط شهری و روستایی و سپس عناصر پیوند اجتماعی شامل مشارکت، هویت اجتماعی، اعتماد، سازگاری و غیره سنجیده شده است.

برای سنجش روایی محتوای پرسش‌نامه دو اقدام انجام گرفت: در ابتدا شاخص‌های موجود در پرسش‌نامه با سایر پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه مقایسه شد و سپس برای اطمینان از روایی، پرسش‌نامه‌ها در بین تعداد محدودی پاسخ‌دهنده تکمیل شد؛ همچنین، ماتریس پرسش‌نامه‌ها براساس شاخص‌های آماری با دو بار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۰/۱۰۰٪ برخوردار بوده که این موضوع نیز روایی بالای پرسش‌نامه و پاسخ‌های آن را نشان می‌دهد. پایایی ابزار پژوهش نیز براساس میزان آلفای کرونباخ ۰/۹ محاسبه شد که آن‌هم نشان‌دهنده مطلوبیت ابزار پژوهش است. داده‌های گردآوری‌شده به روش تحلیل شبکه ارزیابی و تحلیل شده‌اند. پیوندها و روابط که بحث اصلی دیدگاه شبکه است، به منزله سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. تحلیل شبکه برای بررسی تجربی ساختار اجتماعی به مثابه روابط و پیوندهای بین کنشگران، اصول، روش‌ها، تکنیک‌ها، ابزارها و حتی موارد تحلیلی خاصی را پیشنهاد می‌کند. این رویکرد بر مطالعه جریان منابع و نحوه دسترسی افراد به منابع نهفته در شبکه‌ها تأکید دارد (باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰).

جدول ۱. متغیر و شاخص‌ها (الوانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ مطوف، ۱۳۸۶؛ ریفکین و کنگر، ۲۰۱۱؛ دونگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ شارع‌پور و

همکاران، ۱۳۸۹؛ خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵؛ رفیعیان و پارسائیان، ۱۳۹۴)

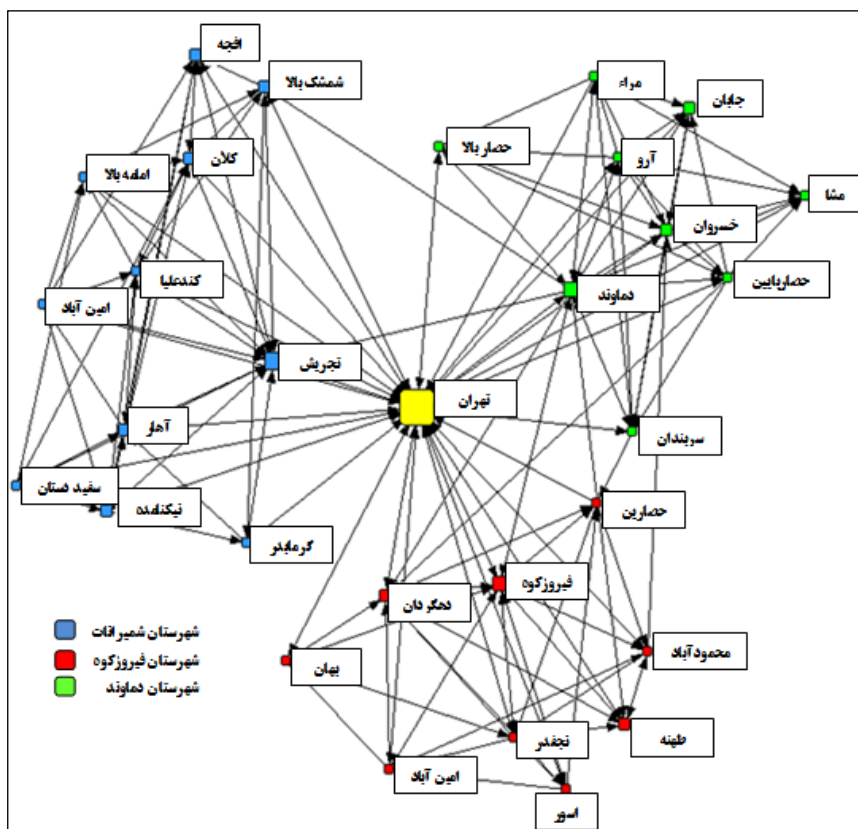
شاخص	تعریف عملیاتی
مشارکت و همکاری	شرکت ارادی و آگاهانه افراد در فعالیت‌های مدنی برای دستیابی به اهداف گروهی.
هویت و تعلق اجتماعی	احساس همدردی و مسئولیت فرد در قبال جامعه، ترجیح منافع جمعی بر فردی، احساس دلبستگی و علاقه به جامعه که محصول کنش انسان‌ها با محیط و اجتماعی است.
اعتماد اجتماعی	انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تأییدشده افراد نسبت به یکدیگر و سایر نهادها که سبب ایجاد و حفظ وحدت و همکاری می‌شود.
کمک و ارتباط متقابل	برقراری ارتباط با دیگران (در قالب روابط اجتماعی) و تمایل به کمک به آن‌ها در صورت نیاز.
سازگاری و هم‌زیستی	تمایل به تغییر فعالیت خود در راستای انطباق با محیط (پاسخ به تغییرات محیط).
آگاهی	فرایند سازمان‌دهی مشاهدات حسی شامل گردآوری اطلاعات و تعبیر و تفسیر آن‌ها که اعضای شبکه اجتماعی از یکدیگر کسب می‌کنند.

نتایج

در ابتدا شبکه پیوندهای جمعیتی با استفاده از نرم‌افزار یوسینت^۱ ترسیم شد (شکل ۲)؛ سپس با بهره‌گیری از تحلیل‌های شبکه موجود در این برنامه، تراکم، دوسویگی، انتقال‌پذیری، نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی، مرکزیت و فاصله ژئودزیک برای مناطق مورد مطالعه محاسبه شده‌اند. هر یک از تحلیل‌های یادشده شامل ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که در نهایت تحلیل شبکه را به شیوه‌ای مؤثر میسر می‌سازد. بدین ترتیب، تنها براساس یک معیار، برای مثال تراکم، به تحلیل شبکه پیوندهای جمعیتی پرداخته و در این شبکه ارتباطات دوسویه و متقابل یا به بیان صحیح‌تر پیوندها، مرکزیت گره‌ها و غیره مورد توجه قرار خواهند گرفت. در ادامه هر یک از شاخص‌های تحلیل شبکه به تفکیک توضیح داده شده‌اند.

تراکم

این شاخص، به‌طور معمول به‌مثابه مجموع ارزش‌های تمامی گره‌ها تقسیم بر تعداد گره‌های ممکن در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی با داده‌های ارزش‌گذاری شده، تراکم معمولاً به‌عنوان میانگین قدرت گره‌ها در سراسر کل گره‌های ممکن تعریف می‌شود (سهیلی و عصاره، ۱۳۹۲). تراکم جابه‌جایی جمعیت در مناطق مورد مطالعه بیانگر آن است که مهاجرت داخل استانی چه به‌صورت موقت یا فصلی و به دلایل مختلف از جمله انگیزه‌های شغلی، گذران اوقات فراغت همچون خانه‌های دوم در مناطق مورد مطالعه، منجر به پیوندهای مهاجرتی قوی بین نقاط روستایی و شهری شده است؛ از سویی شاخص تراکم به‌صورت پیوندهای مکانی در مناطق مورد مطالعه نیز محاسبه شده است که این مقدار، ۰/۲۲۶ (۲۲/۶٪) بود که دلیل آن را باید در پیوندهای ضعیف بین نقاط روستایی با یکدیگر جستجو کرد.



شکل ۲. شبکه پیوندهای روستایی - شهری در مناطق مورد مطالعه (خروجی نرم‌افزار یوسینت)

شایان ذکر است که شاخص تراکم در نقاط مورد مطالعه بیشتر به دلیل پیوندهای مهاجرتی از روستاها به شهرها بوده است و مقدار آن از نظر جابه‌جایی‌های روستایی - شهری در شهرستان دماوند $۰/۶۵۶$ ($۰/۶۵/۶$)، در شهرستان فیروزکوه $۰/۶۰۰$ ($۰/۶۰$) و در شهرستان شمیرانات $۰/۵۶۸$ ($۰/۵۶/۸$) است.

دوسویگی

این شاخص، نشان‌دهنده تعداد پیوندهای متقابل و موجود نسبت به تعدادی است که باید وجود داشته باشد و عددی بین صفر تا یک است که معمولاً به درصد بیان می‌شود (حسام و رضوانی، ۱۳۹۴؛ قربانی و همکاران، ۱۳۹۴). مقدار این شاخص از نظر جریان‌های جمعیتی روستایی - شهری در شهرستان دماوند $۰/۵۱۲۸$ ($۰/۵۱/۲۸$)، در فیروزکوه $۰/۵۴۲۹$ ($۰/۵۴/۲۹$) و در شمیرانات $۰/۵۹۵۷$ ($۰/۵۹/۵۷$) است. شاخص دوسویگی نشان می‌دهد که پیوند متقابل بین نقاط مورد مطالعه در سطحی بالاتر از متوسط است و این نشان از پایداری شبکه مورد مطالعه به لحاظ پیوندهای مهاجرتی دارد. افزون بر این، مقدار این شاخص به صورت پیوندهای مکانی در مناطق مورد مطالعه $۰/۵۲۷۱$ ($۰/۵۲/۷۱$) بود که دلیل آن وجود پیوند متقابل بین نقاط شهری با نقاط روستایی است و در این مورد نیز همچون شاخص تراکم پایداری و متقابل بودن ارتباط بین نقاط روستایی با یکدیگر در سطح پایینی است، به طوری که با حذف نقاط شهری و محاسبه این مقدار برای نقاط روستایی؛ دوسویگی برابر با $۰/۲۳۱۹$ ($۰/۲۳/۱۹$) است.

انتقال پذیری

بر اساس این شاخص، اگر A با B در تماس باشد و B با C، به احتمال زیاد A با C نیز در تماس قرار خواهد گرفت. این همان قاعده قدرت پیوندهای ضعیف است که می‌تواند باعث تسهیل گردش اطلاعات و موفقیت اعضای گروه شود (حسام و رضوانی، ۱۳۹۴). مقدار شاخص انتقال‌پذیری در مناطق مورد مطالعه نشان از وجود پیوندهای ضعیف برون‌گروهی دارد که قادر به تقویت سرمایه اجتماعی در مناطق هستند. در شهرستان‌های مورد مطالعه امکان پیوند جمعیتی بین نقاط روستایی و شهری حدود $۰/۶۳$ است که از نظر پایداری شبکه، مقدار کمابیش مناسبی به نظر می‌رسد؛ همچنین، مقدار این شاخص به صورت پیوندهای مکانی در مناطق مورد مطالعه $۰/۴۱۸$ ($۰/۴۱/۸$) است که مقدار کمابیش مناسبی به نظر می‌رسد. شاخص انتقال‌پذیری از نظر پیوندهای جمعیتی در شهرستان دماوند $۰/۶۶۶$ ($۰/۶۶/۶$)، در شهرستان فیروزکوه $۰/۶۲۳$ ($۰/۶۲/۳$) و در شهرستان شمیرانات $۰/۶۱۱$ ($۰/۶۱/۱$) است.

نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی

بر اساس این شاخص می‌توان میزان سرمایه اجتماعی ارتباطی یا برون‌گروهی را سنجید. نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی بین -۱ تا $+۱$ در نوسان است. گروه یا فردی که دارای مقدار مثبت باشد، به انسجام برون‌گروهی تمایل داشته و چنانچه منفی باشد، خواستار روابط درون‌گروهی یا درون‌فردی است؛ و چنانچه صفر باشد، بی‌تفاوتی را نشان می‌دهد. روابط برون‌گروهی سرمایه اجتماعی بالاتری را به همراه خواهد داشت و انسجام اجتماعی را بالاتر خواهد برد (حسام و رضوانی، ۱۳۹۴؛ قربانی و همکاران، ۱۳۹۴). این نسبت برای شهرستان دماوند $-۰/۱۷۹$ ($-۰/۱۷/۹$)، فیروزکوه $-۰/۰۸۶$ ($-۰/۰۸/۶$) و برای شمیرانات $-۰/۱۴۹$ ($-۰/۱۴/۹$) است. مقادیر محاسبه‌شده در بخش مرکزیت نشان‌دهنده آن است که مرکز شبکه که در تمام موارد تهران است، در سطح کلّ مناطق به دلیل بالاتر بودن میزان جریان ورودی، منابع بیشتری دریافت کرده است (در بحث حاضر، منابع جمعیت است). در شهرستان‌های فیروزکوه و دماوند، مرکزیت منطقه در جریان ورودی و خروجی برابر بوده و در شهرستان شمیرانات، مرکزیت شبکه جریان ورودی بیشتری داشته که این میزان حدود $۰/۱۰$ بیش از جریان خروجی است.

لازم به توضیح است که به دلیل تکمیل پرسش‌نامه در دو بخش روستایی و شهری، جمعیت شهری از حاضرین در محدوده روستا بوده که به دلایلی از جمله گذران اوقات فراغت (گردشگری خانه‌های دوّم) به روستاها مهاجرتی از نوع موقت داشته‌اند و این بحث فارغ از جریان‌های جمعیتی مطلق بین شهر و روستاها است. نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی نقاط مورد مطالعه برای کل شبکه برحسب موقعیت استقرار (شهر یا روستا) ۰/۱۴۷- به دست آمد که نشان از روابط درون‌گروهی است. براساس مقادیر محاسبه‌شده، شبکه پیوندهای جمعیتی در نقاط شهری قوی‌تر از نقاط روستایی است و جمعیت، بیشتر از نقاط روستایی به‌سوی شهرها در جریان هستند (جدول ۲).

مرکزیت

مرکزیت، بیانگر چگونگی تصمیم‌گیری و جریان اطلاعات در یک شبکه است. یک گره با مرکزیت بالا، تأثیر بیشتری بر جریان‌های پیرامون شبکه دارد. در تحلیل سیاست شبکه‌ای می‌توان مرکزیت را به دو نوع مرکزیت درون‌شبکه‌ای و بین‌شبکه‌ای تقسیم کرد (حسام و رضوانی، ۱۳۹۴). براساس نتایج این بخش، مرکزیت شبکه در مناطق دارای ۶۹٪ جریان خروجی و ۸۰٪ جریان ورودی است، این مقادیر برای شهرستان دماوند شامل ۳۸٪ جریان خروجی و ۳۸٪ جریان ورودی، در شهرستان فیروزکوه ۴۴٪ جریان خروجی و ۴۴٪ جریان ورودی و در شهرستان شمیرانات ۳۷٪ جریان خروجی و ۴۷٪ جریان ورودی است (جدول ۳). در مجموع، شاخص‌های مرکزیت محاسبه‌شده برای کل مناطق و هریک از شهرستان‌های مورد مطالعه، بیانگر مطلوبیت این شاخص‌ها است (جدول ۴)؛ از این رو، وجود گره‌های مرکزی یعنی تهران و مرکز هر شهرستان، در مناطق می‌توانند دسترسی جمعیت به اطلاعات و منابع را امکان‌پذیر سازند.

جدول ۲. نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی

نسبت	کل	بیرونی	درونی	گروه	سطح
-۰/۴۳	۱۹۳	۵۵	۱۳۸	روستا	منطقه
۰/۶۹۲	۶۵	۵۵	۱۰	شهر	
-۰/۴۶۷	۶۰	۱۶	۴۴	روستا	دماوند
۰/۷۷۸	۱۸	۱۶	۲	شهر	
-۰/۳۵۸	۵۲	۱۶	۳۶	روستا	فیروزکوه
۰/۷۷۸	۱۸	۱۶	۲	شهر	
-۰/۴۴۴	۷۲	۲۰	۵۲	روستا	شمیرانات
۰/۸۱۸	۲۲	۲۰	۲	شهر	

جدول ۳. نتایج کلی پیوندهای جمعیتی براساس درجه

خروجی	ورودی	خروجی نرمال شده	ورودی نرمال شده	سطح
۶/۵۶۷	۶/۵۶۷	۲۲/۶۴۴	۲۲/۶۴۴	مناطق
مرکزیت شبکه (خروجی): ۶۹/۳۲۲٪ و مرکزیت شبکه (ورودی): ۸۰/۰۲۴٪				
۵/۹	۵/۹	۶۵/۵۵۶	۶۵/۵۵۶	دماوند
مرکزیت شبکه (خروجی): ۳۸/۲۷۲٪ و مرکزیت شبکه (ورودی): ۳۸/۲۷۲٪				
۵/۴	۵/۴	۶۰	۶۰	فیروزکوه
مرکزیت شبکه (خروجی): ۴۴/۴٪ و مرکزیت شبکه (ورودی): ۴۴/۴٪				
۶/۲۵	۶/۲۵	۵۶/۳۱۳	۵۶/۸۱۸	شمیرانات
مرکزیت شبکه (خروجی): ۳۷/۱۹٪ و مرکزیت شبکه (ورودی): ۴۷/۱۰۷٪				

جدول 4. نتایج کلی وضعیت پیوندهای جمعیتی براساس شاخص‌های مرکزیت (مقادیر نرمال شده)

سطح	معیار	مجاورت	بینابینی	بردار ویژه	سطح	معیار	مجاورت	بینابینی	بردار ویژه
مناطق	میانگین	۵۵/۸	۲/۹۷	۲۴/۲۳	فیروزکوه	میانگین	۷۳/۴۷	۵	۴۴/۱۲
	حداقل	۳۹/۷۲	۰/۰۳۱	۱۵/۸۲		حداقل	۶۰	۰/۳۴۷	۳۴/۱۱
	حداکثر	۱۰۰	۶۵/۶۱	۶۵/۲۷		حداکثر	۱۰۰	۱۹/۰۹	۵۳/۴۴
	مجموع	۱۶۷۴/۱۹۱	۸۹/۲۸	۷۲۷/۱۲		مجموع	۷۳۴/۷	۵۰	۴۴۱/۲
	واریانس	۹۲/۳۸	۱۳۶/۴	۷۹/۲۱		واریانس	۱۸۴/۷	۳۶/۰۶	۵۳/۲۸
دماوند	انحراف معیار	۹/۶۱	۱۱/۶۸	۸/۹	شمیرانات	انحراف معیار	۱۳/۵	۶	۷/۳
	میانگین	۷۶/۰۴	۴/۳	۴۴/۴۳		میانگین	۷۱/۸	۴/۳۱	۴۰/۲
	حداقل	۶۴/۲۸	۱/۱۳	۳۴/۳۵		حداقل	۶۱/۱۱	۰/۴	۲۷/۸
	حداکثر	۱۰۰	۱۴/۲۵	۴۹/۷۳		حداکثر	۱۰۰	۱۵/۵۷	۵۲/۸۲
	مجموع	۷۶۰/۴۴	۴۳/۰۵	۴۴۴/۳		مجموع	۸۶۱/۶	۵۱/۸۱	۴۸۲/۵
	واریانس	۱۵۲/۰۳	۱۷/۷۹	۲۵/۹۳	واریانس	۱۷۵/۶	۲۷/۳	۴۹/۷	
	انحراف معیار	۱۲/۳۳	۴/۲۱	۵/۰۹	انحراف معیار	۱۳/۲	۵/۲۲	۷/۰۵	

میانگین فاصله ژئودزیک (کوتاه‌ترین فاصله میان دو کنشگر)

این شاخص نشان‌دهنده کوتاه‌ترین مسیر بین دو جفت کنشگر براساس پیوندهای مورد مطالعه است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴). براساس فاصله ژئودزیک گرہ‌ها (نقاط شهری و روستایی مورد مطالعه) در هر بخش تقریباً با یک پیوند، به یکدیگر دسترسی می‌یابند، در نتیجه فاصله بین گرہ‌ها از یکدیگر بسیار زیاد است، سرعت گردش و پخش پیوندهای جمعیتی در جامعه در سطح پایینی است؛ البته پایین بودن سطح پیوند بین نقاط روستایی با یکدیگر و عدم توازن در تعداد نقاط شهری و روستایی با یکدیگر، منجر به این وضعیت شده است؛ زیرا مبنای محاسبه این شاخص، تمام گرہ‌ها است (این شاخص در بحث حاضر به پیوندهای مکانی قابل تعمیم است). آنچه براساس مقادیر شاخص‌های تراکم، دوسویگی و انتقال‌پذیری مشخص است، وجود پیوندهای جمعیتی پویا بین نقاط شهری و روستایی مناطق مورد مطالعه است. مقدار این شاخص برای کل مناطق ۱/۸۳۳، دماوند ۱/۳۴۴، فیروزکوه ۱/۴ و شمیرانات ۱/۴۳۲ است.

شاخص‌های اجتماعی

پس از بررسی پیوندهای جمعیتی بین دو سکونت‌گاه شهری و روستایی، شاخص‌های پیوندهای اجتماعی که با عنوان سرمایه اجتماعی معرفی می‌شوند، براساس تحلیل شبکه بین نقاط مورد مطالعه بررسی و تحلیل شد. در این بخش، از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا شاخص‌های اجتماعی را در پی پیوندهای روستایی - شهری براساس طیف لیکرت سطح‌بندی کنند. نتایج با توجه به آزمون تی تک‌نمونه‌ای بر مبنای تحلیل شبکه ارزیابی شد (جدول ۵). با توجه به نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای و سطح معنی‌داری برای هر یک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که پیوندهای جمعیتی بین سکونت‌گاه‌های مورد مطالعه در سطح اطمینان ۹۵٪ منجر به سرمایه اجتماعی شده است که براساس میانگین‌ها، هر یک از این شاخص‌ها در سطح بالاتر از متوسط قرار داشته و این بیانگر مطلوبیت کمابیش مناسب این شاخص‌ها در مناطق مورد مطالعه است. شدت و ضعف شاخص‌های اجتماعی نیز به کمک تحلیل شبکه ترسیم شد. همان‌طور که پیکان‌ها نشان می‌دهند، پیوندهای اجتماعی در بین سکونت‌گاه‌های مورد مطالعه در سطح متوسطی قرار داشته و جهت پیکان‌ها نیز نشان‌دهنده آن است که نقاط شهری کانون‌های شبکه هستند. شایان ذکر است، در شبکه مورد بررسی، تهران محور یا مرکزیت شبکه است (شکل ۳).

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، جابه‌جایی‌های جمعیتی به هر دلیلی بیشتر از نقاط روستایی به شهرها است و عکس این حالت و نیز جابه‌جایی جمعیت از روستا به روستا در سطح پایینی قرار دارد. در واقع، آنچه باعث افزایش تراکم جریان‌های جمعیتی در تحلیل شبکه شده، تعداد زیاد جابه‌جایی‌ها از روستاها به شهرها است که بیشتر به دلیل فعالیت شغلی و استفاده از خدمات و امکانات شهری است؛ افزون بر این، جریان‌های جمعیتی همواره دارای تأثیرات منفی نبوده‌اند؛ بلکه یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده پیوندهای اجتماعی مثبت در بین این سکونت‌گاه‌ها است که قادر به تقویت سرمایه اجتماعی است. در این خصوص می‌توان به اصطلاح سرمایه اجتماعی مهاجرت اشاره کرد که شامل پیوندهای اجتماعی است که جوامع فرستنده و دریافت‌کننده را به هم پیوند می‌دهد (شاهچراغ، ۱۳۸۷: ۳۹). بدین ترتیب، می‌توان بیان داشت که با پیشرفت‌های صورت گرفته در ابعاد مختلف، دیگر نباید به شهرها و روستاها به صورت مجزا نگریست؛ بلکه این دو مکان همچون مخازنی هستند که ارتباطات بین فردی، اجتماعی و فرهنگی در آن‌ها شکل گرفته و گسترش می‌یابد (لیچتر و زیلیک، ۲۰۱۷؛ زنگنه و حسین‌آبادی، ۱۳۹۲)؛ از سوی دیگر، با وجود باورها بر جریان همیشگی مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت از روستا به شهر، حرکات جمعیتی از نواحی شهری به روستایی نیز مشاهده می‌شود؛ این افزایش به‌طور عمده به دلیل رواج گردشگری خانه‌های دوّم و گذران اوقات فراغت در روستاها، فرار از آلودگی و ازدحام شهرها و در جستجوی یافتن محیطی آرام‌تر و امن‌تر، ارتقای سطح برخورداری روستاها از خدمات و امکانات، پیروی از خانوار و دستیابی به مسکن بهتر صورت گرفته است (تاکی^۱، ۱۹۹۸: ۲۳؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ میرفلاح نصیری و همکاران، ۱۳۹۵). علل این نوع جریان جمعیتی نشان‌دهنده آن است که بیشتر جریان‌های معکوس موقتی و فصلی هستند، در برخی موارد نیز به دلیل محدودیت‌هایی همچون عدم برخورداری از مسکن مناسب، خانوارها مجبور به سکونت در نواحی روستایی شده و برای فعالیت شغلی یا برخورداری از امکانات و خدمات، همواره به شهرها مراجعه می‌کنند. این وضعیت با توجه به فاصله ژئودزیک و مرکزیت شبکه در پژوهش حاضر به‌وضوح قابل مشاهده است؛ که همواره تهران در مرکزیت این شبکه قرار دارد. در سطح شهرستان نیز این نقاط شهری هستند که در مرکزیت قرار دارند و جریان ورودی به آن‌ها بیش از جریان خروجی است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به مطالعه پیوندهای جمعیتی به‌مثابه بارزترین پیوندهای اجتماعی بین دو سکونت‌گاه شهری و روستایی و شبکه‌های تعاملی پرداخته شد؛ از این رو، بر مبنای نقطه تمرکز دیدگاه شبکه، به‌جای پرداختن به ویژگی‌های سکونت‌گاه‌ها به‌صورت مجزا، ساختار روابط دوسویه و متقابل آن‌ها بررسی شده است. بدین منظور با بهره‌گیری از امکانات نرم‌افزار یوسینت تراکم، دوسویگی، انتقال‌پذیری، نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی، مرکزیت و فاصله ژئودزیک سکونت‌گاه‌های مورد مطالعه بررسی و تحلیل شدند. تراکم در شبکه مورد مطالعه نشان‌دهنده آن است که مهاجرت داخل استانی چه به‌صورت موقت یا فصلی و به‌دلایل، منجر به پیوندهای مهاجرتی قوی بین نقاط روستایی و شهری شده است.

پیوند متقابل بین نقاط مورد مطالعه براساس شاخص دوسویگی در سطحی بالاتر از متوسط است و این نشان از پایداری شبکه مورد مطالعه به‌لحاظ پیوندهای مهاجرتی است. انتقال‌پذیری یا قاعده قدرت پیوندهای ضعیف بین نقاط روستایی و شهری مورد مطالعه نشان از وجود پیوندهای ضعیف برون‌گروهی دارد که قادر به تقویت سرمایه اجتماعی در منطقه هستند. نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی نشان‌دهنده آن است که شبکه پیوندهای

جمعیتی در نقاط شهری قوی‌تر از نقاط روستایی است و جمعیت بیشتر از نقاط روستایی به‌سوی شهرها در جریان هستند. مقادیر مرکزیت نیز نشان‌دهنده آن است که مرکز شبکه که در تمام موارد تهران است، در سطح کل منطقه به دلیل بالاتر بودن میزان جریان ورودی منابع بیشتری دریافت کرده است؛ افزون بر این، گره‌ها در هر بخش کمابیش با یک پیوند به یکدیگر دسترسی می‌یابند، در نتیجه فاصله بین گره‌ها از یکدیگر بسیار زیاد است، سرعت گردش و پخش پیوندهای جمعیتی در جامعه در سطح پایینی است؛ البته پایین بودن سطح پیوند بین نقاط روستایی با یکدیگر و عدم توازن در تعداد نقاط شهری و روستایی با یکدیگر، منجر به این وضعیت شده است؛ زیرا مبنای محاسبه این شاخص، تمام گره‌ها است.

در مجموع، آنچه براساس شاخص‌های تحلیل شبکه مشخص است، وجود پیوندهای جمعیتی کمابیش پویا بین نقاط شهری و روستایی منطقه مورد مطالعه است. این وضعیت نشان‌دهنده پیوندهای جمعیتی است که در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای در دنیای واقعی از آن‌ها غفلت شده است. پس از بررسی پیوندهای جمعیتی بین دو سکونت‌گاه شهری و روستایی، شاخص‌های پیوندهای اجتماعی که با عنوان سرمایه اجتماعی معرفی می‌شوند، بررسی و تحلیل شدند. با توجه به نتایج این بخش و سطح معنی‌داری برای هریک از شاخص‌های مورد نظر، می‌توان نتیجه گرفت که پیوندهای جمعیتی بین این دو سکونت‌گاه در سطح اطمینان ۹۵٪ منجر به سرمایه اجتماعی شده است که براساس میانگین‌ها، هریک از این شاخص‌ها در سطحی بالاتر از متوسط قرار داشته و این بیانگر مطلوبیت کمابیش مناسب این شاخص‌ها در منطقه مورد مطالعه است. براساس نتایج حاصل، پیشنهاد می‌شود با توجه به مشکلاتی که به دلیل عدم برنامه‌ریزی در قالب شبکه‌های منطقه‌ای در فضاهای شهری و روستایی کشور بروز کرده است؛ به پیوندهای جاری بین این دو سکونت‌گاه با هدف کاهش مسائل و مشکلات موجود در ابعاد متفاوت برنامه‌ریزی توجه شود. بدین منظور، در پژوهش‌های آتی می‌توان به بررسی تأثیرگذاری این پیوندها در راستای هم‌زیستی این دو به‌جای تقابل آن‌ها پرداخت؛ افزون بر این، موارد دیگری همچون عوامل و فرایندهایی که سبب تقویت یا تضعیف این شبکه‌ها و پیوندها می‌شوند، جای تأمل و بررسی دارند.

منابع

- احمدی، شیرکو؛ توکلی، مرتضی (۱۳۹۵) مهاجرت و آثار آن بر ساختار کشاورزی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان سردشت)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۸ (۴)، صص. ۶۴۵-۶۵۹.
- افشارکهن، جواد؛ ناجی مهر، فاطمه (۱۳۹۳) بررسی تأثیر ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی بر احساس شهروندی مطالعه موردی: ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر مشهد، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*، ۴ (۱۰)، صص. ۲۹-۵۲.
- الوانی، مهدی؛ رحمانی، محمود؛ محمدنژاد عالی‌زمینی، ابوالقاسم (۱۳۹۱) طراح‌های الگوی بهبود سطح سرمایه اجتماعی شهروندان در عصر جهانی‌شدن، *مطالعات راهبردی جهانی‌شدن*، ۳ (۶)، صص. ۱-۳۰.
- باستانی، سوسن؛ رئیس، مهین (۱۳۹۰) روش تحلیل شبکه: استفاده از رویکرد شبکه‌های کل در مطالعات اجتماعات متن‌باز، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۵ (۱۴)، صص. ۳۱-۵۷.
- حسام، مهدی؛ رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۴) بررسی وضعیت حمایت مالی کسب‌وکارهای گردشگری روستایی از یکدیگر با رویکرد تحلیل شبکه؛ مطالعه موردی: رستوران‌های روستاهای محور هراز، بخش لاریجان، شهرستان آمل، *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۴ (۱۰)، صص. ۱۲۷-۱۴۱.
- حشم‌فیروز، ام‌البنین؛ فرجی، سید فخرالدین (۱۳۹۴) پیامدهای مهاجرت روستا شهری (جستجویی از روند تخلیه جمعیتی روستایی)، *دومین کنگره علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست*

- ایران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، تهران.
- خدایاری فرد، عباس؛ حیدرعلی، هومن؛ غباری بناب؛ باقر (۱۳۸۵) **بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری اجتماعی دانشجویان شاهد و غیر شاهد**، مؤسسه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- رضوانی، محمدرضا؛ اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ رجایی، سید عباس (۱۳۸۷) نقش وجوه ارسالی و سرمایه‌گذاری مهاجران در توسعه روستایی، مورد: دهستان رامشه (شهرستان اصفهان)، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، ۶۶، صص. ۱۶-۱.
- رضوانی، محمدرضا؛ نظری، ولی‌الله؛ خراسانی، محمدمبین (۱۳۸۹) **فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی و توسعه روستایی**، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- رفیعیان، مجتبی؛ پارسائیان، عاطفه (۱۳۹۴)، **سنجش الگوی فضایی ادراک خطر به تفکیک محله‌ها در شهر یزد، دوفصلنامه مدیریت بحران**، ۴ (۸)، صص. ۳۷-۴۶.
- زنگنه، یعقوب؛ حسین‌آبادی، سعید (۱۳۹۲) **تحلیلی بر تعلق مکانی و عوامل مؤثر بر آن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، ۳ (۸)، صص. ۱۶۲-۱۳۱.
- سهیلی، فرامرز؛ عصاره، فریده (۱۳۹۲) **مفاهیم مرکزیت و تراکم در شبکه‌های علمی و اجتماعی، مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات**، ۲۴ (۹۵)، صص. ۱۰۸-۹۲.
- شارع‌پور، محمود؛ رازقی، نادر؛ غلام‌زاده، خلیل (۱۳۸۹) **بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران، مجله مطالعات اجتماعی ایران**، ۳ (۱۱)، صص. ۸۲-۶۳.
- شاهچراغ، محبوبه (۱۳۸۷) **نقش مهاجران روستایی ساکن شهرها در توسعه اقتصاد روستایی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر محمدرضا رضوانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.
- شمس‌الدینی، علی؛ شکور، علی؛ رضایی، محمدرضا؛ پناهی، لیلا (۱۳۹۰) **تحلیل جغرافیایی بر جریانات متقابل روستایی - شهری مطالعه موردی: مرودشت و روستاهای پیرامونی، آمایش محیط**، ۴ (۱۲)، صص. ۹۹-۷۹.
- صرامی، حسین (۱۳۸۴) **روابط شهر و روستا در بخش مرکزی شهرستان اصفهان، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، ۱۸ (۱)، صص. ۴۶-۲۹.
- ضرابی، اصغر؛ رخشان‌نسب، حمیدرضا (۱۳۸۹) **رشد مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای ایران در دو دهه اخیر، رفاه اجتماعی**، ۱۰ (۳۹)، صص. ۲۷۲-۲۴۷.
- ضیاءتوانا، محمدحسن؛ شمس‌الدینی، علی (۱۳۸۹) **کارکردهای شهری در توسعه روستایی، مورد: نورآباد و روستاهای پیرامون، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، ۲ (۳)، صص. ۶۰-۴۵.
- فنی، زهره؛ خلیل‌اللهی، حسینعلی؛ سجادی، ژیلا؛ فال‌سلیمان، محمود (۱۳۹۷) **تحلیل مهاجرت‌های روستا - شهری و پیامدهای آن بر ناپایداری شهری، مطالعه موردی: شهر بیرجند، دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری**، ۱ (۱۷)، صص. ۲۴-۱۳.
- قاسمی، مریم؛ جوان، جعفر؛ صابری کاریزی، زهرا (۱۳۹۳) **تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک**، ۴ (۱۶)، صص. ۳۷-۱۵.
- قربانی، مهدی؛ عوض‌پور، لیلا؛ خراسانی، محمدمبین (۱۳۹۴) **تحلیل و ارزیابی سرمایه اجتماعی شبکه‌های خرد توسعه در راستای توسعه پایدار محلی، پژوهش‌های روستایی**، ۶ (۳)، صص. ۵۶۶-۵۴۵.
- مطوف، شریف (۱۳۸۶) **بحران هویت و تشدید آن در زندگی اردوگاهی پس از زلزله بم، باغ نظر**، ۴ (۸)، صص. ۸۰-۷۲.
- میرفلاح نصیری، سید نعمت‌اله؛ دل‌عظیمی، فریده؛ صباغی، شهلا (۱۳۹۵) **آیا مهاجرت معکوس در کشور در حال تحقق است، آمار**، ۲۰، صص. ۲۰-۱۴.

- Linkages in South Africa, **South African Urbanisation Review**, Cities Support Programme (CSP) of the National Treasury.
- Dong, W., Han, H., Ke, Y., Chan, K. C. (2018) Social Trust and Corporate Misconduct: Evidence from China, **Journal of Business Ethics**, 151 (2), pp. 539-562.
- Eppler, U., Fritsche, U. R., Laaks, S. (2015) **Urban- Rural Linkages and Global Sustainable Land Use**, International Institute for Sustainability and Strategy, Berlin, Darmstadt.
- Hashemzahi, E., Anvari, M. R., Boustany, M. K. (2014) Analysis of Small Towns Role in Rural Development by Using Network Analysis Case Study: Nookabad City of Khash, **Novel Applied Sciences**, 3 (9), pp. 1070-1076.
- Lichter, D. T., Ziliak, J. P. (2017) The Rural-Urban Interface: New Patterns of Spatial Interdependence and Inequality in America, **The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science**, 672 (1), pp. 6-25.
- Rifkin, S. B., Kangere, M. (2011) Community-Based Rehabilitation (CBR) as a Participatory Strategy in Africa, Chapter 3: What is Participation?, **GLADNET Collection**, pp. 37-49.
- Sarmast, B., Zail, N. (2011) Analysis of Social Ties and its Reasons in Iran Provinces, **International Conference on Social Science and Humanity**, IPEDR, IACSIT Press, Singapore, 5, pp. VI64- VI69.
- Stern, M. J., Adams, A., E., Boase, J. (2011) Rural Community Participation, Social Networks and Broadband Use: Examples from Localized and National Survey Data, **Agricultural and Resource Economics Review**, 40 (2), pp. 158-171.
- Szabo, S., Adger, W. N., Matthews, Z. (2018) Home is Where the Money Goes: Migration-Related Urban-Rural Integration in Delta Regions, **Migration and Development**, 7 (2), pp. 163-179.
- Tacoli, C. (1998) Briding the Divide: Rural- Urban interactions and Livelihood Strategies, **International Institute for Environment and Development**, Gatekeeper Series 77 (SA76), pp. 1-16.
- Unwin, T. (2017) Urban-Rural Interaction in Developing Countries: a Theoretical Perspective, **The Geography of Urban-Rural Interaction in Developing Countries**, Essays for Alan B. Mountjoy (pp. 11-32), Routledge.
- Wellman, B. (1983) Network Analysis: Some Basic Principles, **Sociological Theory**, 1 (8), pp. 155-200.

